

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۷

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۷

اعتبارسنجی روایات اقتدای مسیح به مهدی علیه السلام در منابع روایی اهل سنت

محمد امیری قوام^۱

مهدی یوسفیان^۲

چکیده

داده‌های روایی متعددی از منابع شیعه و اهل سنت بر اقتدای مسیح به امام مهدی علیه السلام دلالت می‌کنند و پذیرش مفاد آن‌ها پیامدهای مهمی در زمینه‌های گوناگون به ویژه در عرصه علم کلام خواهد داشت؛ از جمله اقتدای یک نبی اولوالعزم بر امام و وصی پیامبر خاتم صلوات الله علیه، افضلیت امام بر نبی و... که این پیامدهای کلامی تنها با مبانی امامت در مذهب شیعه سازگار بوده و با مبانی کلامی اهل سنت در تعارض خواهد بود؛ بنابراین باید این روایات، از نظر سند و دلالت مورد ارزیابی علمی قرار گیرند تا ادعای فوق ارزش علمی بیابد؛ مقاله حاضر به دور از هرگونه تعصب مذهبی و با رعایت انصاف علمی، با مراجعه به منابع اصلی روایی و رجالی اهل سنت، پس از ارزیابی سند و دلالت روایات مذکور چنین نتیجه‌گیری شده است که از بین شش روایت موجود در منابع اهل سنت از نظر دلالت، همگی بر اقتدای مورد نظر دلالتی روشن دارند و از نظر سند تنها دو روایت صحیح بخاری از ابوهریره و روایت مسند احمد از جابر صحیح السند هستند و چهار روایت دیگر از اشکالاتی نظیر عدم اتصال و مجهول یا ضعیف بودن برخی راویان رنج می‌برند؛ ولی در عین حال با توجه

۱. دانش پژوه سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول) (m.mirighavam@chmail.ir).

۲. استادیار و مدیر گروه مهدویت پژوهشگاه بین‌المللی جامعة المصطفی قم.

به مجموعه‌ای از قرائن، همه آن‌ها معتبر هستند و بعید نیست که با توجه به مجموع منابع شیعه و اهل سنت، تواتر معنوی اقتدای مذکور به اثبات برسد.

واژگان کلیدی

روایت، اقتدا، عیسی علیه السلام، مهدی، سند، صحیح، دلالت

مقدمه

با بررسی متون روایی کهن به جای مانده در زمینه حوادث عصر ظهور مهدی علیه السلام، روایات متعددی مشاهده می‌شود که بر نزول و اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور دلالت می‌کنند؛ از آنجاکه مطابق روایات، این رخداد در شرایطی استثنایی و با ویژگی‌های منحصر به فرد به وقوع خواهد پیوست، نمی‌تواند یک حادثه عادی و کم‌اهمیت تلقی گردد؛ این واقعه کم‌نظیر به دلیل دارا بودن آثار و پیامدهای گسترده اعتقادی کلامی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، در سطح جامعه بشری عصر ظهور شایسته آن است که از زوایای مختلف مورد بررسی و کنکاش علمی قرار گیرد تا ابعاد آن به روشنی در منظر حق جویان جهان قرار گیرد.

از جمله عرصه‌هایی که می‌توان از آن به عنوان حوزه‌های مرتبط با اقتدای مذکور یاد نمود، عرصه اعتقادات و مبانی کلامی است؛ چراکه این اقتدا می‌تواند نقدی بر مبانی کلامی اهل سنت در مباحث خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شاهدی قوی برای حقانیت مبانی کلامی شیعه محسوب شده و استحکام و انسجام باورهای شیعی را به تصویر بکشد؛ چراکه پذیرش اقتدای حضرت مسیح علیه السلام به عنوان یکی از پیامبران بزرگ الهی به امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که «آیا پیامبری اولوالعزم که منصبی الهی دارد، می‌تواند بر مهدی موعود که از دیدگاه اغلب اندیشمندان اهل سنت نهایتاً امامی عادل، زمینی و بشری است، اقتدا نماید یا آن مقتدا باید جایگاهی فراتر داشته باشد؟»

ما بر این باور هستیم که مفاد این روایات تنها با مبانی کلامی شیعه همچون عهد آسمانی بودن مقام امامت، منصوب بودن امام، برتری جایگاه امامت بر نبوت و... سازگار است و با مبانی کلامی اهل سنت همچون زمینی و منتخب بودن خلیفه پیامبر، معصوم نبودن خلیفه، برتری مقام نبوت بر امامت و... قابل توجیه نیستند؛ بنابراین ضروری است که روایات مربوط به اقتدای مذکور که لوازم فوق بر آن مترتب می‌شوند، مورد ارزیابی سندی و دلالتی قرار گیرند تا بتوان به آن‌ها به عنوان ملزومی برای لوازم فوق استناد نمود و البته در مسیر این ارزیابی باید با از پیش داوری پرهیز نموده و انصاف علمی سرلوحه خود قرار دهیم.

با بررسی منابع حدیثی دست‌اول و کهن اهل سنت روشن شد که مجموعاً شش روایت در منابع اصلی اهل سنت - همچون صحیح بخاری، صحیح مسلم، مسند احمد، سنن ابن ماجه، الجامع الصحیح للسنن والمسانید، کنز العمال - موجود است که اغلب آن‌ها بر نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام پشت سر حضرت مهدی علیه السلام تصریح دارند و برخی بر فراتر از اقتدا یعنی امامت حضرت مهدی علیه السلام بر حضرت عیسی علیه السلام دلالت دارند که یکی از مصادیق آن، امامت در نماز جماعت خواهد بود.

بررسی سندی و دلالتی روایات

روایت اول جابر

اولین حدیث، روایتی است که با سندهای مختلف اما عباراتی بسیار مشابه و با تفاوت‌های جزئی،^۱ همگی از جابر نقل می‌کنند که می‌گوید:

أَنَّ سَمْعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَام فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ تَعَالَى صَلِّ بِنَا فَيَقُولُ لَا إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمِيرٌ لِيُكْرِمْ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ.^۲

بررسی سند این روایت

منابع و اسناد این روایت بدین شرح است:

مسند احمد/حنبل، باب مسند جابر بن عبدالله:

حدثنا عبدالله حدثني أبي حدثنا موسى حدثنا بن لهيعة عن أبي الزبير عن جابر أنه سمع النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يقول... (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ج ۳، ۳۴۵، ح ۱۴۷۶۲).

در این سند تنها ابن لهیعه مورد اختلاف است (ابن حجر، ۱۴۰۶: ۳۱۹؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۸، ۱۳) و بقیه راویان توثیق شده‌اند (توثیق عبدالله: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۲۹۷؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۹، ۴۵۱-۴۵۰؛ توثیق بکر بن حبیب: ابوالفداء، ۱۴۳۲: ج ۳، ۷۷؛ توثیق موسی: رک: ابن حجر،

۱. مثلاً در برخی به جای عبارت «صَلِّ بِنَا»، عبارت «صَلِّ لَنَا» آمده یا به جای عبارت «لِيُكْرِمْ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ»، عبارت «تَكْرِمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ» و... آمده است و پس از بررسی اسناد نقل مشهور این روایت، به بررسی آن‌ها نیز خواهیم پرداخت ان شاء الله.

۲. احمد حنبل، مسند احمد حنبل، باب مسند جابر بن عبدالله، ج ۳، ۳۴۵، ح ۱۴۷۶۲؛ ترجمه: «از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که فرمود: دائماً تا روز قیامت گروهی از امت من آشکارا بر سر حق می‌جنگند، فرمود: پس عیسی ابن مریم عَلَيْهَا السَّلَام نزول می‌کند، پس امیرشان می‌گوید بیا برای ما نماز بخوان؛ پس [عیسی علیه السلام] می‌گوید نه، همانا بعض شما بر بعض دیگر امیر هستید چون خداوند این امت را گرامی داشته است».

۱۴۰۶: ۵۵۰؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۰، ۱۳۶؛ توثیق ابوالزبیر: رک: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۵۰۶؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۵، ۳۸۱؛ توثیق جابر: رک: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۱۳۶؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۳، ۱۸۹) در سند فوق اتصال راویان تا پیامبر ﷺ رعایت شده است.

با وجود اختلافی بودن ابن لهیعة، شعیب الارنؤوط در مورد خصوص این حدیث می گوید: این حدیث صحیح است و این اسناد به دلیل سوء حفظ ابن لهیعة ضعیف است و [درعین حال] متابعت شده است (احمد حنبل، ۱۴۱۶: باب مسند جابر بن عبدالله، ج ۳، ۳۴۵، ح ۱۴۷۶۲، تعلیق شعیب الارنؤوط).

این سخن نشانگر آن است که در این حدیث از نظر او قرینه‌ای وجود دارد که باعث می شود باوجود ضعف در اسناد، حدیث صحیح باشد؛ قرینه‌ای مانند روایات متعدد دیگری که مضمون آن را تکرار می کنند و

در جمع بندی درباره اعتبار آن، می توان گفت سند فوق خالی از اشکال نیست؛ ولی به کمک قرائنی همچون نقل های دیگر این حدیث و احادیث دیگری که معنایی مشابه معنای این حدیث را بیان داشته اند و نیز تأیید صحت این حدیث توسط شعیب الارنؤوط می توان آن را پذیرفت.

مسند/احمد حنبل، مسند جابر بن عبدالله:

حدثنا عبدالله حدثني أبي حدثني حجاج قال بن جريج أخبرني أبو الزبير أنه سمع جابر بن عبد الله يقول سمعت رسول ﷺ عليه يقول ... (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ج ۳، ۳۸۴، ح ۱۵۱۶۷).

این سند متصل است و همه راویان آن توثیق شده اند که برخی از آن ها در سند قبل بررسی شدند. (جهت توثیق حجاج: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۱۵۳؛ محمد بن احمد بن یوسف، بی تا: ج ۴، ۴۵۶؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۹، ۴۴۷؛ توثیق ابن جریج: ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۵، ۴۹۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ج ۲، ۳۵۷؛ ابن حبان، ۱۳۹۶: ج ۱، ۵۵؛ ابن حجر، ۱۴۰۶: ۳۶۳)

علاوه بر این، اسناد این حدیث را نیز شعیب الارنؤوط بنابر شرط مسلم صحیح دانسته است.^۱

مسند/احمد مخرجا، باب مسند جابر بن عبدالله:

۱. احمد حنبل، مسند احمد حنبل، مسند جابر بن عبدالله، با تعلیق شعیب الارنؤوط، ج ۳، ۳۸۴، ح ۱۵۱۶۷، ذیل همین حدیث: «إسناده صحيح على شرط مسلم».

حَدَّثَنِي حَجَّاجٌ، قَالَ ابْنُ جُرَيْجٍ: أَخْبَرَنِي أَبُو الزُّبَيْرِ [ص: ٣٣٥]، أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَيْهِ يَقُولُ... (احمد بن حنبل، ١٤٢١: ج ٢٣، ٣٣٤، ح ١٥١٢٧).

تفاوت این سند با سند قبل فقط در این است که دو واسطه اول سند قبلی حذف شده‌اند؛ لذا بررسی مستقل احتیاج ندارد.

بنابراین صحت سند فوق را نیز می‌توان از نظر اهل سنت تأیید نمود.

معجم/ابن عساکر:

أخبرنا المبارك بن علي بن عبد الباقي بن علي أبو عبد الله البغدادي الخياط سبط أبي الحسين أحمد بن عبد القادر بن يوسف بقراءتي عليه بدمشق قال أخبرنا أبو سعد محمد بن عبد الملك بن عبد القاهر بن أسد الأسدي ببغداد ثنا أبو القاسم عبد الملك بن محمد بن عبد الله بن بشران إملاء قال أبنا أبو بكر محمد بن عبد الله الشافعي حدثنا محمد بن الفرج الأزرق حدثنا حجاج بن محمد قال قال ابن جريج أخبرني أبو الزبير أنه سمع جابر بن عبد الله يقول قال رسول الله ﷺ... (ابن عساکر، ١٤٢١: ج ٢، ١٦٣، ح ١٤١١).

این سند نیز در قسمت پایانی مشابه سند مستند/حمد است؛ با این تفاوت که ابن عساکر واسطه‌های بین خود تا حجاج را نیز بیان نموده است؛ لذا به نظر می‌رسد که بررسی سندی مستقلی احتیاج ندارد. او سپس سند صحیح مسلم را نیز چنین ذکر می‌کند:

أخرجه مسلم عن أبي همام الوليد بن شجاع وهارون بن عبد الله الحمال وحجاج بن الشاعر عن حجاج بن محمد.

ما این سند را در شماره بعدی (سند پنجم) ذکر و بررسی نموده‌ایم.

صحیح مسلم، باب نزول عیسی بن مریم علیه السلام حاکما بشریعة نبیّنا:

حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ شُجَاعٍ وَهَارُونُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَحَجَّاجُ بْنُ الشَّاعِرِ قَالُوا حَدَّثَنَا حَجَّاجٌ - وَهُوَ ابْنُ مُحَمَّدٍ - عَنْ ابْنِ جُرَيْجٍ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الزُّبَيْرِ أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ... (مسلم، بی‌تا: ج ١، ٩٥، ح ٤١٢).

در این سند نیز سه نفر دیگر که حدیث را از حجاج بن محمد شنیده‌اند، اضافه گردیده و بقیه سند، همان است که احمد حنبل در دومین اسنادش ذکر کرد و ما در سند شماره ٢ به آن پرداختیم؛ بنابراین نیازی به بررسی سندی مستقل احساس نمی‌شود و فقط به اختصار سه راوی ابتدای سند را بررسی می‌نماییم. (برای توثیق ولید بن شجاع: ذهبی، ١٣٨٢: ج ٤، ٣٣٩؛ ابوعبدالله، علاء‌الدین، ١٤٢٢: ج ١٢، ٢٣٥؛ ذهبی، ٢٠٠٣: ج ٥، ١٢٧٩؛ توثیق هارون بن

عبدالله: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۵۶۹؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۲، ۱۱۶؛ توثیق حجاج بن یوسف الشاعر: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۱۵۳؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۲، ۳۰۱)

بنابراین سند فوق نیز بلاشکال است و می‌توان از این طریق نیز صحت سند حدیث را پذیرفت.

السنن الکبری للبیهقی، باب اظهار دین النبی ﷺ.

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ، وَأَبُو صَادِقٍ الصِّدْلَانِيُّ قَالَا: ثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الصَّغَانِيُّ، ثَنَا حَجَّاجُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: قَالَ ابْنُ جُرَيْجٍ: أَخْبَرَنِي أَبُو الزُّبَيْرِ، أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: ... (بيهقي، بی تا: ۳۰۴، ح ۱۸۶۱۵).

در این سند نیز فقط برخی راویان قبل از حجاج متفاوت است که به دو طریق به حجاج رسیده است.

این سند از طریق ابوعبدالله الحافظ قابل تشخیص نبود ولی از طریق صیدلانی صحیح است و می‌توان صحت حدیث را از نظر اهل سنت تأیید نمود. (جهت توثیق صیدلانی: ابواسحاق، ۱۴۱۴: ۲۴؛ محمود بن عبد الفتاح، ۱۴۲۹: ۴۰۹؛ توثیق محمد بن یعقوب: الزرکلی، بی تا: ج ۷، ۱۴۵؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۵، ۴۵۷؛ توثیق محمد بن اسحاق: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۴۶۷) صحیح ابن حبان - محققا، باب ذِکْرِ الْبَيَانِ بِأَنَّ إِمَامَ هَذِهِ الْأُمَّةِ عِنْدَ نَزُولِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ يَكُونُ مِنْهُمْ دُونَ أَنْ يَكُونَ عِيسَى إِمَامَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى سَعِيدٌ، قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ سَعِيدٍ بْنِ مُسْلِمٍ، حَدَّثَنَا حَجَّاجُ عَنِ ابْنِ جُرَيْجٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الزُّبَيْرِ أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ ... (ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۲۳۱، ح ۶۸۱۹).

در این سند هم ابن حبان از محمد بن المنذر بن سعید از یوسف بن سعید بن مسلم و او نیز از حجاج نقل حدیث می‌کند و بقیه سند مشابه سند احمد بن حنبل است.

ابن حبان سپس در تعلیقه خود بر این حدیث چنین می‌گوید:

اسناد این حدیث صحیح است و رجال آن [راویان آن]، همگی رجال صحیح هستند به جز یوسف بن سعید بن مسلم المصیصی که او نیز ثقه حافظ است ... (همو)

در کتاب صحیح ابن حبان مخرجا، ج ۱۵، ص ۲۳۱ نیز همین حدیث با همین سند ذکر شده و در

۱. «ثنا» مخفف «حدَّثنا» است.

پاورقی آن، از تعلیقه الالبانی و شعیب الارنؤوط صحیح بودن اسناد آن نقل شده است. لذا با توجه به مهر تأیید ابن حبان، الالبانی و شعیب الارنؤوط بر صحت اسناد آن نیازی به بررسی بیشتر وجود ندارد و می‌توان صحت این حدیث را از نظر اهل سنت پذیرفت. در مجموع این حدیث در هفت طریق آن صحیح شمرده می‌شود. البته این هفت سند را به اعتبار اشتراک در عمده طریق آن‌ها می‌توان به دو دسته تقسیم نمود و به این اعتبار که همگی از طریق جابر حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله را نقل نموده‌اند، می‌توان همه آن‌ها را یک طریق محسوب نمود؛ اما به هر حال این حدیث از جهت سندی صحیح است.

بررسی دلالت این روایت

ظهور این روایت بر اقتدای مورد نظر روشن است؛ چرا که بین تمام مسلمانان اعم از شیعه و سنی مسلم است که نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان و در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام است و نیز مسلم است که امیر و فرمانده مورد نظر روایت، حضرت مهدی علیه السلام است. مطابق این روایت حضرت عیسی علیه السلام امامت جماعت نماز را نمی‌پذیرند و دلیل آن را هم چنین می‌فرمایند:

بعض این امت بر بعض دیگر امیر و فرمانده است تا این که خداوند این امت را اکرام کند.

و از این استدلال معلوم می‌شود که فرمانده و امیر مسلمین بر نبی خدا مقدم است و لذا او نباید به عنوان امام بایستد. نکته دیگر این که این استدلال از جانب حضرت عیسی علیه السلام بر امامت عام حضرت مهدی علیه السلام دلالت می‌کند و بر مورد نماز جماعت تطبیق شده است.

روایت ابوهریره

روایت دوم روایتی است کوتاه که ابوهریره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده است که ایشان فرمود:

کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم وإمامکم منکم؟^۱

۱. بخاری، صحیح بخاری، باب نزول عیسی بن مریم علیه السلام، ج ۳، ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵: «چگونه اید وقتی که [عیسی] بن مریم نزول کند در حالی که امامتان از شماست؟»؛ البته در برخی نقل‌های این روایت برخی کلمات لفظاً متفاوت‌اند مثل اینکه به جای «کیف انتم»، «کیف بکم» آمده یا به جای «امامکم منکم»، «أمکم منکم» آمده است، ولی معنی همان است که گفته شد. در برخی از نقل‌های شاذ هم سعی شده به گونه‌ای روایت شود که امامت در نماز به عیسی علیه السلام تعلق یابد و به جای «امامکم منکم»، «أمکم» آورده‌اند که در انتهای روایت دوم به آن موارد نیز خواهیم پرداخت.

قبل از ذکر منابع و بررسی اسناد آن‌ها لازم است نکته مهمی درباره بررسی اسناد یادآوری شود و آن این که اگر طرق متعدد یک روایت در بخش پایانی سند مشترک باشند و تفاوت فقط در راویان ابتدایی سند باشد، صحیح بودن یکی از این طرق و اثبات اسناد صحیح در یکی از آن‌ها، به خودی خود اثبات کننده اسناد دیگر موارد نیز هست؛ چراکه درواقع همه یک حدیث را نقل نموده‌اند و همه نیز از واسطه‌های مشترکی آن حدیث را از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند؛ البته این بدان معنی نیست که ثقه بودن راویان دیگر طرق نیز به طور کلی اثبات شود، بلکه نشان دهنده صدق نقل آن‌ها در این حدیث خاص می‌باشد.

حال با توجه به این نکته به سراغ ذکر منابع و اسناد این حدیث می‌رویم:

بررسی سند این روایت

این روایت نیز در منابع مختلفی ذکر شده است که در ادامه به همراه سندهای آن ذکر می‌شوند:

صحیح بخاری، باب نزول عیسی بن مریم ﷺ:

حدثنا ابن بکیر حدثنا الليث عن يونس عن ابن شهاب عن نافع مولى أبي قتادة الأنصاري أن أبا هريرة قال: قال رسول الله ﷺ (كيف أنتم إذا نزل ابن مریم فيکم وإمامکم منکم). تابعه عقيل والأوزاعي (بخاری، ۱۴۲۲: ج ۳، ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵).

بررسی راویان این سند

همه راویان این سند به جز ابن شهاب به صراحت توثیق شده‌اند. (جهت توثیق ابن بکیر: ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۰، ۶۱۳؛ توثیق لیث: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۴۶۴؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۸، ۱۴۸؛ مجموعة من المؤلفين، ۲۰۰۱: ج ۲، ۵۳۵؛ توثیق یونس: ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۱، ۳۳۶؛ ابن حجر، ۱۴۰۶: ۶۱۴؛ توثیق نافع: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۵۵۸؛ مالک بن انس، ۱۴۲۵: ج ۶، ۱۰۲؛ أبو الفداء إسماعیل بن عمر، ۱۴۳۲: ج ۱، ۳۲۱؛ توثیق ابوهیرره نیز در روایت اول بررسی شد). ابن شهاب نیز اگرچه به صراحت توثیق نشده است؛ اما شواهد قوی برای حسن او وجود دارد. (عبد الشافی، ۱۴۲۸: ۲۶؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱: ج ۴، ۱۷۷)

در نتیجه در سند فوق اشکال جدی وجود ندارد؛ لذا می‌توان صحت این سند را از دیدگاه اهل سنت تأیید نمود.

صحیح مسلم، باب نزول عیسی بن مریم ﷺ حاکما بشریعة نبینا:

حدثني حرملة بن يحيى أخبرنا ابن وهب أخبرني يونس عن ابن شهاب قال أخبرني نافع

مولیٰ ابی قتادة الأنصاری أن أبا هريرة قال قال رسول الله ﷺ: كيف أنتم إذا نزل ابن مريم فيكم وإمامكم منكم؟ (مسلم، بی تا: ج ۱، ۱۳۵، ح ۲۴۴)

تنها تفاوت سند مسلم با سند بخاری، در راویان قبل از یونس است و آن‌ها نیز توثیق شده‌اند (جهت توثیق حرمله: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۱۵۶؛ النسائی، ۱۴۲۳: ۷۲؛ توثیق ابن وهب: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۳۲۸؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۹، ج ۲۲۶).
بنابراین می‌توان صحت این سند از منظر اهل سنت را نیز مانند سند بخاری تأیید نمود.
صحیح/ابن حبان، باب اخباره عما یكون فی ...:

أخبرنا عبدالله بن محمد بن سلم قال: حدثنا عبد الرحمن بن إبراهيم قال: حدثنا الوليد بن مسلم قال: حدثنا الأوزاعي عن ابن شهاب أن نافع بن أبي نافع مولى أبي قتادة أخبره: أن أبا هريرة قال: قال رسول الله ﷺ: «كيف أنتم إذا نزل ابن مريم فيكم وإمامكم منكم»، قال شعيب الأرناؤوط: إسناده صحيح على شرط البخاري (ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۲۱۳، ح ۶۸۰۲).

بررسی راویان این سند

در این سند نیز تنها اشکال عدم تصریح به وثاقت ابن شهاب است که در سند قبلی پاسخ آن مطرح شد و بقیه راویان همگی توثیق شده‌اند. (جهت توثیق عبدالله: ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۴، ۳۰۶؛ بی تا: ۳۸۸؛ توثیق عبدالرحمن: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۳۳۵؛ النسائی، ۱۴۲۳: ۷۰؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۱، ۵۱۶؛ توثیق ولید: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۵۸۴؛ ذهبی، ۲۰۰۳: ج ۴، ۱۲۴۰؛ توثیق الازعاعی: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۳۴۷؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۷، ۱۰۹).
ابن حبان به نقل از شعيب الأرناؤوط نیز اسناد این حدیث را بنابر شرط بخاری صحیح می‌داند.

در کتاب صحیح/ابن حبان مخرجا نیز ذیل همین حدیث، از تعلیقه الالبانی صحیح بودن این حدیث نقل شده است (ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۲۱۳، ح ۶۸۰۲).
حال با توجه به نکته‌ای که در ابتدای بررسی روایت دوم ذکر نمودیم، روشن است که چهار سند فوق همگی در بخش پایانی مشترک هستند و همگی از ابن شهاب از نافع از ابوهریره نقل نموده‌اند؛ بنابراین با توجه به صحیح بودن دو سند قبلی از نظر اهل سنت و نیز نظر الالبانی و شعيب الأرناؤوط و ابن حبان مبنی بر صحت این اسناد و نیز با توجه به اعتبار دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم نزد اهل سنت، صحت دیگر اسنادها نیز روشن می‌گردد؛ در نتیجه این سند را نیز با توجه به مبانی اهل سنت صحیح می‌دانیم.

مسند/احمد، ت شاکر، باب صحیفة همام بن منبه:

حدثنا عثمان بن عمر، ثنا ابن أبي ذئب، عن الزهري، عن نافع مولى أبي قتادة عن أبي هريرة أن النبي ﷺ قال: كيف بكم إذا نزل فيكم عيسى ابن مريم ﷺ وإمامكم منكم (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۸، ۳۱۲، ح ۸۴۱۲).

این سند نیز در آخرین واسطه یعنی ابوهریره با بقیه سندها مشترک است و دو راوی متفاوت با سندهای قبلی نیز توثیق شده اند (جهت توثیق عثمان بن عمر: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۳۸۵؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۹، ۵۵۸؛ توثیق ابن ابی ذئب: ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۷، ۱۴۸-۱۴۰).

بنابراین این سند نیز با توجه به منابع رجالی اهل سنت بی اشکال است. در نتیجه روایت فوق که از چهار طریق به ابی هریره و از او به پیامبر اکرم ﷺ می رسد، طبق نظر رجال شناسان اهل سنت صحیح است.

بررسی دلالت این روایت

دلالت این روایت بر موضوع اقتدای حضرت مسیح ﷺ به حضرت مهدی ﷺ از باب تطبیق عام بر خاص یا تطبیق مطلق بر مقید است؛ چرا که پیامبر ﷺ می فرماید:

چگونه اید وقتی که [عیسی] بن مریم نزول کند در حالی که امامتان از شماست؟

و مطابق این روایت، هنگام نزول حضرت عیسی ﷺ، امام به طور عام یا مطلق، از بین امت پیامبر ﷺ خواهد بود و یکی از عرصه های امامت، امامت جماعت است و اگر کسی بپرسد که «از کجا معلوم است که این امام حضرت مهدی ﷺ است؟» در جواب خواهیم گفت: «همه مسلمین در این که حضرت مهدی ﷺ که از نسل پیامبر اسلام ﷺ است، این نقش را هنگام نزول حضرت عیسی ﷺ به عهده خواهد داشت اتفاق نظر دارند^۱ و هیچ فرقه ای از فرق اسلامی ادعایی برخلاف آن ندارند»؛ بنابراین ظهور روایت در اقتدای حضرت عیسی ﷺ به حضرت مهدی ﷺ در همه امور از جمله نماز روشن است.

تحریف روایت

اما برخی نقل ها روایت فوق را با عبارت «كيف أنتم إذا نزل ابن مريم فيكم وأممكم» نقل نموده اند که نتیجه دلالی آن متفاوت خواهد شد و لذا لازم است که ابتدا منابع و اسناد آن ها را

۱. به جز عده معدود و نادری که بر اساس یک روایت جعلی تلاش کرده اند حضرت عیسی ﷺ را همان مهدی موعود معرفی نمایند که بسیار معدودند.

بررسی نماییم:

بررسی سند روایت محرف

صحیح مسلم، باب نزول عیسی بن مریم علیه السلام حاکما بشریعة نبینا:

وحدثني محمد بن حاتم حدثنا يعقوب بن إبراهيم حدثنا ابن أخي ابن شهاب عن عمه قال أخبرني نافع مولى أبي قتادة الأنصاري أنه سمع أبا هريرة يقول قال رسول الله ﷺ: كيف أنتم إذا نزل ابن مریم فيکم وأمکم؟ (مسلم، بی تا: ج ۱، ۱۳۵، ح ۲۴۵)

بررسی راویان این سند

اگرچه محمد بن حاتم و یعقوب بن ابراهیم توثیق شده اند (جهت توثیق ابن حاتم: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۴۷۲؛ ذهبی، ۲۰۰۳: ج ۵، ۹۱۲؛ عادل نویهض، ۱۴۰۹: ج ۲، ۵۱۰؛ توثیق یعقوب بن ابراهیم: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۶۰۷؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۹، ۴۹۲-۴۹۱) اما با توجه به عدم کشف هویت عموی ابن شهاب، نمی توان طریق این سند را صحیح دانست؛ در سندهای قبلی نیز اگرچه ابن شهاب حدیث را به طور مستقیم از نافع و بدون واسطه عموی نقل نموده است؛ اما در آن سند، همان نقل مشهور روایت با تعبیر «و اماکم منکم» آمده است نه تعبیر «و أمکم».

مسند المستخرج علی صحیح الامام مسلم لأبی نعیم، باب الدین النصیحة:

حدثنا إبراهيم بن عبدالله ثنا محمد بن إسحاق ثنا محمد بن يحيى نا يعقوب ابن إبراهيم نا ابن أخي ابن شهاب عن عمه قال أخبرني نافع مولى أبي قتادة أنه سمع أبا هريرة يقول قال رسول الله ﷺ: «كيف أنتم إذا نزل ابن مریم فيکم فأمکم» صحیح وإسناده ضعيف (ابونعیم، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۲۲۰، ح ۳۹۵)

در این سند از یعقوب بن ابراهیم به بعد تکرار سند قبلی است و ابراهیم بن عبدالله مجهول است و محمد بن اسحاق نیز بین محمد بن اسحاق الصاغانی و محمد بن اسحاق الثقفی و محمد بن اسحاق بن خزیمه مشترک است و اشکالی که وجود دارد این است که محمد بن اسحاق الثقفی و محمد بن اسحاق بن خزیمه در تراجم توصیف نشده اند و محمد بن اسحاق الصاغانی اگرچه توثیقش توسط ابن حجر و ذهبی در سندهای قبلی تأیید شد، اما شاگردی به نام ابراهیم بن عبدالله برای او ثبت نشده است و رابطه او با ابراهیم بن عبدالله مشخص نیست؛ لذا این سند نیز ضعیف است.

از عبارت ابو نعیم مؤلف این کتاب در انتهای سند مذکور، معلوم شد که از نظر او اسناد این

حدیث ضعیف است ولی او در عین حال، حدیث را بدون ذکر دلیل صحیح دانسته است و نمی‌توان به روایات معتبر دیگر نیز استناد نمود؛ چراکه چنین موردی وجود ندارد؛ بنابراین نمی‌توان صحت این حدیث را پذیرفت.

مسند الصحابة فی الكتب التسعة، باب مسند عبدالرحمن بن صخر (ابوهریره):

وَحَاتَمُ ابْنُ أَخِي عَنْ عَمِّهِ قَالَ نَافِعُ مَوْلَى أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَأَمَّاكُمْ وَصَحِيحُ مُسْلِمٍ: ۱۵۵ عَنْ ... (مؤلف ناشناخته، بی تا: ج ۳، ۳۸۲، ح ۲۷۰).

اتصال این سند بین مؤلف تا اولین راوی مشخص نیست؛ در نتیجه این سند ضعیف است.

مسند/حمد، ط الرسالة، باب مسند ابی هریره:

حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ عَنْ الزُّهْرِيِّ، عَنْ نَافِعٍ مَوْلَى أَبِي قَتَادَةَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَيْفَ بِكُمْ إِذَا نَزَلَ بِكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ فَأَمَّاكُمْ أَوْ قَالَ: إِمَّاكُمْ مِنْكُمْ (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ج ۱۳، ۱۱۸، ح ۷۶۸۰).

بررسی راویان این سند

عبدالرزاق و معمر توثیق شده‌اند (جهت توثیق عبدالرزاق: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۳۵۴؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۹، ۵۶۴؛ ذهبی، ۱۴۰۶: ۱۲۱، ش ۲۱۵؛ توثیق معمر: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۵۴۱؛ الزرکلی، بی تا، ج ۷، ۲۷۲؛ ذهبی، ۱۴۰۶: ۱۷۹) و بقیه راویان نیز در سندهای قبلی بررسی شدند.

شعیب الارنؤوط ذیل همین حدیث در تعلیقه‌اش (احمد حنبل، ۱۴۲۱: ج ۱۳، ۱۱۸، ح ۷۶۸۰، تعلیقه شعیب الارنؤوط)، اسناد این حدیث را بنابر شرط شیخین صحیح می‌داند و سپس با ذکر دیگر منابع این حدیث، بیان می‌دارد که چهار سند مختلف از زهری همین حدیث را نقل نموده‌اند و در همه آن‌ها به جز یک مورد بدون شک و تردید «و امامکم منکم» نقل شده است و تنها یک مورد «فأأمکم» نقل کرده است. به نظر می‌رسد با توجه به سخن ابوحاتم درباره عبدالرزاق که او را غیرقابل احتجاج دانست و سخن دارقطنی که در روایت از معمر وی را دچار خطا دانست (که این دو اشکال در ضمن همان منابع توثیق این دو راوی مطرح شده) و نیز با توجه به تعارض این نقل با نقل مشهور روایت و دیگر روایات در این باب، سخن شعیب در تصحیح این حدیث اشتباه است.

در جمع‌بندی بررسی اسناد فوق در نقل دوم می‌توان گفت با توجه به این که اولاً این نقل با نقل مشهور همین روایت از جمله نقل بخاری در تعارض است و ثانیاً با دیگر روایات (از جمله

روایت اول و روایاتی که پس از این ذکر خواهیم کرد) نیز تعارض دارد و ثالثاً این نقل در صحیح بخاری و صحیح ابن حبان اساساً ذکر نشده، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که در این نقل تحریف صورت گرفته و متن صحیح حدیث، همان نقل مشهور است که در صحیح بخاری و مسلم و ابن حبان ذکر شده است.

علاوه بر نقل محرف مذکور، این روایت را السید ابوالمعالی النوری، ابوالفضل، در *المسند الجامع* (النوری، بی‌تا: ج ۱۸، ۱۴۳) نیز با تحریفی متفاوت و با عبارت «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَائُكُمْ مِنْكُمْ...» و با همان سندهایی که در نقل مشهور حدیث ذکر نمودیم، نقل شده است؛ اما با توجه به این که این منبع دست دوم بوده و منبع اصلی نقل او همان *مسند احمد*، *صحیح مسلم* و *صحیح بخاری* است و در این منابع، عبارت «و إمامكم منكم» وجود دارد نه «و إمائكم منكم»، معلوم می‌شود که این نقل محرف است. علاوه بر این که طبق نقل، حدیث معنای روشنی نخواهد داشت.

بررسی دلالت روایت محرف

در صورت نادیده انگاشتن ضعف سند، دلالت روایت چنین خواهد بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «[حال] شما چگونه خواهد بود وقتی که عیسی بن مریم علیه السلام نزول کند و امام شما شود؟» بنابراین پس از نزول حضرت عیسی علیه السلام، دیگر امامت با حضرت مهدی علیه السلام نبوده و حضرت عیسی علیه السلام پیشوایی این امت را عهده‌دار خواهد شد. مضمون این روایت با روایات فراوان دیگری که امامت را حتی پس از نزول عیسی علیه السلام بر عهده امام مهدی علیه السلام می‌داند در تعارض است و حتی اگر سند آن نیز صحیح بود، نمی‌توانست در مقابل آن دسته از روایات تاب بیاورد و حال آن که ما در بررسی سندی ضعف آن را نیز بیان نمودیم.

روایت ابوسعید خدری

روایت سوم، روایتی کوتاه از پیامبر صلی الله علیه و آله است که با این متن نقل شده است:

مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ خَلْفَهُ.^۱

بررسی سند این روایت

این روایت در منابع زیر نقل شده است:

۱. صهیب، عبدالجبار، الجامع الصحیح للسنن و المسانید، ج ۲، ۴۳۳؛ ترجمه: «از ماست آن که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می‌خواند».

الجامع الصحيح للسنن والمسند (عبد الجبار، ۲۰۱۴: ج ۲، ۴۳۳):

(أبو نعيم في كتاب المهدي)، وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ».

کنز العمال، باب خروج المهدي (المتقى الهندي، ۱۴۰۱ق: ج ۱۴، ۳۲۴، ح ۳۸۶۷۳):
سند این روایت به طور کامل ذکر نشده و ابو نعیم تنها به ذکر آخرین واسطه بین خود و پیامبر ﷺ یعنی ابوسعید [الخدري] بسنده نموده است؛ لذا مقطوعه است و نمی توان در مورد صحت سند آن حکم نمود. منبع دوم نیز از ابو نعیم نقل کرده است و لذا سند مستقلاً محسوب نمی گردد.

بررسی دلالت این روایت

مطابق این روایت پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: «از ماست آن که عیسی بن مریم ﷺ پشت سرش نماز می خواند»؛ بنابراین قطعاً عیسی ﷺ بر فردی از خاندان پیامبر ﷺ نماز می خواند و از طرفی مسلم است که چنین ادعایی از طرف هیچ فرد و گروهی برای غیر حضرت مهدی ﷺ مطرح نشده است و روایات دیگر نیز مؤید این مطلب است؛ پس می توان گفت که آن کسی که طبق این روایت، عیسی ﷺ پشت سرش نماز خواهد خواند، کسی جز حضرت مهدی ﷺ نیست.

در نتیجه این روایت از جهت دلالت بر اقتدای مسیح ﷺ به حضرت مهدی ﷺ بلا اشکال است و اشکال آن تنها از ناحیه سند است.

روایت ابی همامه

چهارمین روایت، حدیثی است نسبتاً طولانی از پیامبر اکرم ﷺ که بخش هایی از آن چنین است:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْمُجَارِبِيُّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَافِعٍ أَبِي رَافِعٍ عَنْ أَبِي زُرْعَةَ السَّيْبَانِيِّ يَحْيَى بْنِ أَبِي عَمْرٍو عَنْ أَبِي أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ قَالَ خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ... قَالَ «هُمْ يَوْمَئِذٍ قَلِيلٌ وَجُلُهُمْ بَيْتُ الْمَقْدِسِ وَإِمَامُهُمْ رَجُلٌ صَالِحٌ فَبَيْنَمَا إِمَامُهُمْ قَدْ تَقَدَّمَ يُصَلِّي بِهِمُ الصُّبْحَ إِذْ نَزَلَ عَلَيْهِمْ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ الصُّبْحَ فَرَجَعَ ذَلِكَ الْإِمَامُ يَنْكُصُ يَنْشَى الْقَهْقَرَى لِيَتَقَدَّمَ عِيسَى يُصَلِّي بِالنَّاسِ فَيَضَعُ عِيسَى يَدَهُ بَيْنَ كَتِفَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ تَقَدَّمَ فَصَلِّ فَإِنَّهَا لَكَ أَقِيمَتْ. فَيُصَلِّي بِهِمُ إِمَامُهُمْ ...»^۱.

۱. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، باب فتنة الدجال و خروج عيسى بن مريم ﷺ، ج ۲، ص ۱۳۵۹، ۴۰۷۷: ترجمه: «... از ابی

بررسی سند این روایت

سنن ابن ماجه، باب فتنة الدجال و خروج عيسى بن مريم عليه السلام:

حدثنا علي بن محمد. حدثنا عبد الرحمن المحاربي عن إسماعيل بن رافع أبي رافع عن أبي زرعة الشيباني يحيى بن أبي عمرو عن أبي أمامة الباهلي قال خطبنا رسول الله ﷺ فكان أكثر خطبته حديثا عن الدجال. وحذرناه. فكان من قوله أن قال... (ابن ماجه، ١٤٣٠: ج ٢، ١٣٥٩، ح ٤٠٧٧).

بررسی راویان این سند

در این سند دو اشکال وجود دارد: یکی ضعف اسماعیل بن رافع و دیگری هم عدم اتصال سند به دلیل این که ابی زرعة السیبانی شاگرد ابی أمامة نبوده است و از او سماع حدیث ننموده است. البته بقیه راویان آن توثیق شده اند (جهت توثیق علی بن محمد: ابن حجر، ١٤٠٦: ٤٠٥؛ ذهبی، ١٤٢٧: ج ١١، ٤٦٠؛ توثیق عبد الرحمن المحاربی: ابن حجر، ١٤٠٦: ٣٤٩؛ ذهبی، ١٤٢٧: ج ٩، ١٣٧؛ توثیق اسماعیل بن رافع: ابن حجر، ١٤٠٦: ١٠٧؛ توثیق ابی زرعة: ابن حجر، ١٤٠٦: ٥٩٥؛ ذهبی، ٢٠٠٣: ج ٣، ١٠١٢؛ توثیق ابی همامة: ابن حجر، ١٤٠٦: ٢٧٦) اما اشکالات فوق را نمی توان نادیده انگاشت و شعیب الارنؤوط نیز به خاطر همین دو اشکال، اسناد آن را ضعیف می داند (ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ت الارنؤوط، ١٤٣٠: ج ٥، ٢٠١).

بنابراین این حدیث از جهت سندی ضعیف شمرده می شود.

سه منبع نیز این حدیث را با همان سند ذکر نموده اند و سند جدیدی برای آن ارائه نکرده اند که عبارتند از:

المسند الموضوعی للکتاب العشرة، باب الاشياء التي يفتن بها الدجال الناس (عبد الجبار، بی تا: ج ٢، ٢٨٤)

مسند الصحابة في الكتب التسعة، باب مسند صدی بن عجلان (ابی امامة) (مؤلف ناشناخته، بی تا: ج ٣٦، ٤١٠)

کنز العمال، باب خروج الدجال (المتقی الهندی، ١٤٠١: ج ١٤، ٢٩٤، ح ٣٨٧٤٢)

امامة الباهلی نقل کرده است که گفت: رسول الله ﷺ ما را خطاب قرار داد ... حضرت فرمودند: آنها در آن روز کم هستند و بیشتر آنها در بیت المقدس هستند در حالی که امام شان مردی صالح است پس در حالی که امام آنان جلو می رود تا نماز صبح را به جا بیاورد، ناگهان عیسی بن مریم ﷺ بر آنها صبح گاهان نزول می کند: پس امام روی برگردانده و قدم به عقب می گذارد تا عیسی ﷺ را برای نماز خواندن با مردم مقدم کند، پس عیسی ﷺ دستش را بین دو کتف امام می گذارد سپس می گوید: جلو بروید و نماز بگزارید چرا که برای شما برپاشده است. پس امام شان با آنها نماز می گزارد....»

بررسی دلالت این روایت

مطابق این روایت پیامبر ﷺ می‌فرمایند:

زمانی که امام آن‌ها (مسلمین) جلو می‌رود تا نماز صبح را اقامه نماید، ناگهان عیسی بن مریم علیه السلام هنگام صبح بر آن‌ها نازل می‌شود؛ پس آن امام روی برگردانده و قدم به عقب برمی‌دارد تا عیسی علیه السلام جلو رفته و برای مردم نماز بگذارد، عیسی علیه السلام دستش را بین دو کتف او قرار می‌دهد و سپس می‌گوید جلو بروید و نماز را بخوانید؛ چراکه آن برای شما برپاشده است؛ پس امام‌شان برای آن‌ها نماز می‌گذارد.

بنابراین بیان، پس از نزول عیسی علیه السلام قطعاً امام مسلمین نماز را اقامه می‌نماید. **اشکال:** ممکن است کسی بگوید این روایت نهایتاً ثابت می‌کند که در حضور حضرت عیسی علیه السلام، باز هم امام مسلمین نماز را اقامه می‌کند ولی معلوم نمی‌شود که حضرت عیسی علیه السلام نیز به او اقتدا خواهد کرد.

جواب: اگر بپذیریم که حضرت عیسی علیه السلام در حالی که نماز برپاشده، اقتدا نکرده لازم‌ه‌اش این است که یا نعوذ بالله ایشان نماز نخوانند که در این صورت برخلاف تکلیف شرعی عمل نموده و با عصمت ایشان سازگار نیست؛ و یا باید نماز را فرادا بخواند که این نیز طبق احکام دین مبین اسلام باعث وهن نماز جماعت یا وهن امام جماعت مسلمین می‌شود و با شأن و عصمت حضرت عیسی علیه السلام سازگار نیست و اصلاً با حکمت الهی نیز ناسازگار است که نبی خود را هنگام برپایی نماز جماعت به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شعائر دینی نازل نماید و او با رفتار خود این شعائر را تخریب نماید. علاوه بر این که با روایات دیگر نیز ناسازگار خواهد بود. در نتیجه روایت فوق از جهت دلالت، ظهور در اقتدای عیسی علیه السلام به امام مسلمین دارد و اگر کسی این امام را غیر از امام مهدی علیه السلام بداند، هم برخلاف اتفاق مسلمین سخن رانده و هم این که در این صورت ادعای مقاله، به طریق اولی ثابت خواهد شد؛ اما اشکال سندی این روایت پابرجاست.

روایت دوم جابر

این روایت نیز روایتی نسبتاً طولانی است که با توجه به متن آن به حدس قوی می‌توان گفت بیانی دیگر از همان سخنانی باشد که در روایت قبل نقل شد؛ چراکه هر دو در مورد سخنان پیامبر ﷺ در مورد دجال و خروج و حوادث مربوط به آن می‌باشند و بخش‌هایی از متن نیز مشترک یا مشابه است، با این تفاوت که این بار جابر آن را از حضرت نقل می‌کند. قسمتی از متن این روایت چنین است:

عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... ثُمَّ يَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، مَا يَمْنَعُكُمْ أَنْ تَخْرُجُوا إِلَى الْكَذَّابِ الْحَبِيثِ؟ فَيَقُولُونَ: هَذَا رَجُلٌ جَنِّيٌّ، فَيَنْطَلِقُونَ، فَإِذَا هُمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ، فَتَقَامُ الصَّلَاةُ، فَيُقَالُ لَهُ: تَقَدَّمَ يَا رُوحَ اللَّهِ، فَيَقُولُ: لِيَتَقَدَّمَ إِمَامُكُمْ فَلْيُصَلِّ بِكُمْ، فَإِذَا صَلَّى صَلَاةَ الصُّبْحِ خَرَجُوا إِلَيْهِ...^۱

بررسی سند این روایت

این روایت همان سند فوق را داراست که احمد حنبل آن را از ابوالزبیر از جابر بن عبدالله نقل نموده است و منابع دست اول و منابع بعدی، همگی آن را با همان سند نقل کرده‌اند. منابع آن عبارت‌اند از:

مسند احمد، باب مسند جابر بن رضی الله عنه، (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق: ج ۲۹، ۴۷۵، ح ۱۴۴۲۶)

المسند الجامع، (النوری، بی تا: ج ۴، ۱۹۷)

مسند الصحابة فی الكتب التسعة، مسند جابر بن عبدالله، (مؤلف ناشناخته، بی تا: ج ۲۴، ۱۲۴)

المسند الموضوعی الجامع للكتب العشرة، باب ترك الدجال حصار المدينة و توجهه نحو الشام، (عبد الجبار، ۲۰۱۳م: ج ۲، ۳۰۰، ح ۱)

کنز العمال، باب الکمال من خروج الدجال، (المتقی الهمدی، ۱۴۰۱ق: ج ۱۴، ۳۷۵)

سند فوق به دلیل عدم ذکر واسطه‌های بین احمد حنبل (۲۴۱-۱۶۴ ه.ق) با ابوالزبیر (متوفای ۱۲۶ ه.ق) اتصال سندی ندارد و لذا نمی‌توان در مورد صحت آن حکم نمود.

بررسی دلالت این روایت

دلالت این روایت بر اقتدای مسیح عجل الله تعالی فرجه الدریف به امام مسلمین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الدریف نیز با بیانی مشابه روایت قبلی روشن است؛ اما این روایت نیز مانند روایت قبلی از اشکال ضعف سندی برخوردار است.

روایت عثمان بن ابی العاص

ششمین روایت، حدیثی است که عثمان بن ابی العاص از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نموده است و

۱. احمد حنبل، مسند احمد، باب مسند جابر بن رضی الله عنه، ج ۲۹، ۴۷۵، ح ۱۴۴۲۶؛ ترجمه: از ابی الزبیر از جابر بن عبدالله نقل شده که او گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «... عیسی بن مریم علیه السلام نزول می‌کند و از سحر ندا می‌دهد، پس می‌گوید ای مردم چه چیزی مانع شما شده از خروج به سوی آن کذاب خبیث شده؟ می‌گویند این مردی جنی است پس باشتاب می‌روند، پس هنگامی که آنها با عیسی ابن مریم علیه السلام هستند نماز برپا می‌شود؛ پس گفته می‌شود جلو بروید ای روح الله! پس ایشان می‌گویند: امام شما باید جلو برود و نماز را همراه شما بخواند. پس هنگامی که نماز صبح را به جا می‌آورد به سوی او خروج می‌نمایند...».

قسمتی از متن آن چنین است:

... ثُمَّ جَاءَ عُثْمَانُ بْنُ أَبِي الْعَاصِ، فَقُمْنَا إِلَيْهِ فَجَلَسْنَا، فَقَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «يَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ، فَيَقُولُ لَهُ أَمِيرُهُمْ: يَا رُوحَ اللَّهِ، تَقْدَمُ صَلِّ، فَيَقُولُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَمْرَاءُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَيَتَقَدَّمُ أَمِيرُهُمْ فَيُصَلِّي...»^۱

بررسی سند این روایت

مسند احمد بن حنبل، باب حدیث عثمان بن ابی العاص عن النبی ﷺ.

حدثنا عبدالله حدثني أبي ثنا يزيد بن هارون ثنا حماد بن سلمة عن علي بن زيد عن أبي نصره قال: أتينا عثمان بن أبي العاص في يوم جمعة لنعرض عليه مصحفا لنا على مصحفه فلما حضرت الجمعة أمرنا فاغتسلنا ثم أتينا بطيب فتطينا ثم جئنا المسجد فجلسنا إلى رجل فحدثنا عن الدجال ثم جاء عثمان بن أبي العاص فقمنا إليه فجلسنا فقال سمعت رسول الله ﷺ يقول... (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ج ۴، ۲۱۶، ح ۱۷۹۳۱).

بررسی راویان این سند

در این سند، اکثر راویان توثیق شده اند (جهت توثیق یزید بن هارون: ابن حجر، ۱۴۰۶: ۶۰۶؛ ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۹، ۳۷۰-۳۵۸؛ توثیق حماد بن سلمة: ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۷، ۴۴۴؛ محمد بن احمد، بی تا: ج ۶، ۴۶۰؛ توثیق ابی نصره: ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۴، ۱۸۱؛ ذهبی، ۲۰۰۳: ت بشار، ج ۳، ۱۹۸؛ توثیق عثمان بن ابی العاص: ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۲، ۳۷۴؛ الزرکلی، بی تا: ج ۴، ۲۰۷) اما دو اشکال در آن وجود دارد: یکی این که رابطه بین عثمان بن ابی العاص با ابی نصره نامعلوم است و دیگر این که علی بن زید فقط توسط ترمذی صدوق معرفی شده ولی عده ای او را به دلایلی همچون شیعه گری، سوء حفظ ضعیف دانسته اند (ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۵، ۲۰۶) و شعیب الارنؤوط نیز در تعلیق خود در ذیل این حدیث به دلیل ضعف علی بن زید، اسناد این حدیث را ضعیف می شمرد. بنابراین سند فوق ضعیف محسوب می گردد.

المستدرک علی الصحیحین للحاکم، باب «اما حدیث ابی عوانه»:

أخبرني الحسن بن حليم المروزي، ثنا أحمد بن إبراهيم الشذوري، ثنا سعيد بن هبيرة، ثنا حماد بن زيد، عن أيوب السخيتاني، وعلى بن زيد بن جدعان، عن أبي نصره، قال: أتينا

۱. احمد حنبل، مسند احمد بن حنبل، باب حدیث عثمان بن ابی العاص عن النبی ﷺ، ج ۴، ۲۱۶، ح ۱۷۹۳۱؛ ترجمه: ... سپس عثمان بن ابی العاص آمد و ما به [پای] او قیام نموده و نشستیم. پس او گفت از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرماید: ... و عیسی بن مریم هنگام نماز فجر نزول می کند، پس فرمانده آنان به او می گوید: ای روح الله! پیش برو و نماز را بخوان. پس او می گوید: بعض این امت بر بعض دیگر امیر هستند. پس فرمانده آنان جلو رفته و نماز می گزارد....

عثمان بن ابی العاص يوم الجمعة لنعارض مصحفنا بمصحفه، فلما حضرت الجمعة أمرنا فاغتسلنا وتطيننا، ورجنا إلى المسجد، فجلسنا إلى رجل يحدث ثم جاء عثمان بن أبي العاص فتحولنا إليه، فقال عثمان عليه السلام: سمعت رسول الله ﷺ يقول: ... (حاكم النيشابوري، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ۵۲۴، ح ۸۴۷۳)

بررسی روایان این سند

در این سند نیز توثیق الحسن بن حلیم (ابوالطیب، نایف بن صلاح، ۱۴۳۲: ج ۱، ۴۲۳)، حماد بن زید (ذهبی، ۱۴۲۷: ط الرسالة، ج ۷، ۴۵۹-۴۵۸) و ایوب السختیانی (ذهبی، ۲۰۰۳: ت بشار، ج ۳، ۶۱۸) تأیید شده است؛ اما احمد بن ابراهیم در منابع رجالی اهل سنت ناشناخته است و سعید بن هبیره متهم به نقل احادیث جعلی از ثقات و عدم قوت شده است (ذهبی، ۲۰۰۳: ت بشار، ج ۵، ۸۱؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۱۶۲) و ضعف علی بن زید در سند قبلی تبیین شد؛ لذا این سند نیز بنابر منابع رجالی اهل سنت ضعیف محسوب می شود.

المسند الجامع:

عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، قَالَ: أَتَيْنَا عُثْمَانَ بْنَ أَبِي الْعَاصِ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ، لِنَعْرِضَ عَلَيْهِ مَصْحَفًا لَنَا عَلَى مَصْحَفِهِ، فَلَمَّا حَضَرَتِ الْجُمُعَةُ أَمَرَنَا فَاغْتَسَلْنَا، ثُمَّ أَتَيْنَا بِطَيْبٍ فَتَطَيَّبْنَا، ثُمَّ جِئْنَا الْمَسْجِدَ، فَجَلَسْنَا إِلَى رَجُلٍ، فَحَدَّثَنَا عَنِ الدَّجَالِ، ثُمَّ جَاءَ عُثْمَانُ بْنُ أَبِي الْعَاصِ، فَقُمْنَا إِلَيْهِ، فَجَلَسْنَا، فَقَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: ... (النوري، بی تا: ج ۱۲، ۱۴۶).

این سند نیز به دلیل عدم اتصال از اعتبار ساقط است.

مسند الصحابة فی الكتب التسعة، باب عبادة بن قرظ، (مؤلف ناشناخته، بی تا: ج ۴۸، ۶۷) این حدیث را با همان سند مسند احمد حنبل نقل نموده است.

المسند الموضوعی الجامع للكتب العشرة، باب ترك الدجال حصار المدينة و توجه الى الشام، (عبدالجبار، ۲۰۱۳م: ج ۲، ۳۰۰)، نیز حدیث فوق را با همان سند مسند احمد بن حنبل نقل نموده است.

در نتیجه هیچ یک از طرق نقل این حدیث از دیدگاه اهل سنت صحیح محسوب نمی شود.

بررسی دلالت این روایت

مطابق این روایت نیز پیامبر اکرم ﷺ ضمن خطبه ای که در مورد خروج دجال و حوادث پیرامون آن ایراد فرموده اند، می فرمایند:

عیسی بن مریم علیه السلام هنگام نماز صبح نزول می کند، پس فرمانده آنان (مسلمین) به او می گوید: ای روح الله! جلو بروید و نماز بخوانید. پس او می گوید: همانا بعض این امت

فرمانده بعض دیگرند؛ پس فرمانده مسلمین به پیش می‌رود و نماز می‌خواند.

فراز مذکور از این روایت، عبارتی مشابه روایت اول و روایت پنجم دارد و تبیین دلالت آن بر اقتدای مسیح علیه السلام بر حضرت مهدی علیه السلام نیز مانند همان دو روایت است؛ اما این روایت اشکال سندی دارد و از این منظر ضعیف محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی روایات اقتدا در منابع اهل سنت می‌توان گفت که از بین شش روایت مذکور، دو روایت اول و دوم که به ترتیب از مسند احمد حنبل و صحیح بخاری نقل شده بودند و منابع متعدد دیگری نیز پس از آن‌ها همان روایت را نقل نموده‌اند، از نظر منابع رجالی اهل سنت صحیح محسوب می‌شوند و دیگر موارد یا از اشکال عدم اتصال رنج می‌بردند یا راویان آن‌ها در برخی موارد ضعیف شمرده می‌شدند؛ البته توجه به چند نکته می‌تواند اشکالات سندی این روایات را تا حد قابل قبولی به حاشیه براند:

ضعف سندی مستلزم جعلی بودن نیست؛ به خصوص در روایات مورد بحث که در اغلب موارد، راویان مورد اعتماد اهل سنت آن‌ها را نقل نموده‌اند و از نظر محتوا هم تعارضی با قرآن، روایات متواتر و عقل ندارند و صرف عدم اتصال در نقل یا مهمل یا حتی ضعیف بودن برخی راویان اثبات جعل نمی‌کند؛

از طرفی نیز، صرف نقل حدیث در منابعی همچون صحیح بخاری و مسلم از دیدگاه بسیاری از اهل سنت اعتبار زاست و نمی‌توان در اعتبار سندی این روایات از دیدگاه اهل سنت خدشه نمود و این خود مؤیدی دیگر بر صحت روایات مشابه است.

آن‌چه درباره سند روایات فوق گفته شد، در صورتی است که این روایات با صرف نظر از منابع شیعه بررسی گردد؛ اما در صورت توجه به منابع شیعه و تعدد روایات مؤید مضامین روایی مورد بحث، قوت و صحت این روایات دو چندان می‌شود و حتی بعید نیست که با توجه به تعداد روایات شیعه و اهل سنت در باب اقتدای حضرت مسیح علیه السلام به امام مهدی علیه السلام، تواتر معنوی اقتدای مذکور اثبات شود و در صورت عدم پذیرش تواتر نیز اعتبار برخی روایات مورد بحث برای پذیرش آن‌ها کافی است و نمی‌توان به بهانه ضعف سند برخی از روایات مذکور، این حجم از روایات موجود در منابع معتبر شیعه و اهل سنت و به دنبال آن لوازم کلامی و اعتقادی و... را درباره این باور برگرفته از روایات نادیده گرفت.

منابع

- ابن ابى حاتم، أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي الحنظلي الرازي، *الجرح والتعديل*، بيروت: دار إحياء التراث العربى، الأولى، ١٢٧١ق/ ١٩٥٢م
- ابن الجوزي، جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي، *الضعفاء والمتروكون*، المحقق: عبدالله القاضي، بيروت: دار الكتب العلمية، الأولى، ١٤٠٦ق
- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي، *صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان*، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، الثانية، ١٤١٤ق/ ١٩٩٣م
- _____، *المجروحين من المحدثين والضعفاء والمتروكين*، المحقق: محمود إبراهيم زايد، حلب: دار الوعى، الأولى، ١٣٩٦ق
- ابن حجر، أحمد بن أبي الفضل العسقلاني الشافعي، *تقريب التهذيب*، تحقيق: محمد عوامة، سوريا: دار الرشيد، الأولى، ١٤٠٦ق/ ١٩٨٦م
- ابن خلكان البرمكي أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر، *وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان*، المحقق: إحسان عباس، بيروت: دار صادر، بى تا
- ابن سعد، أبو عبد الله محمد بن سعد بن منيع الهاشمي بالولاء، البصرى، البغدادى المعروف بابن سعد، *الطبقات الكبرى*، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الأولى، ١٤١٠ق/ ١٩٩٠م
- ابن عساکر، ثقة الدين أبو القاسم على بن الحسن بن هبة الله، *معجم الشيوخ*، المحقق: الدكتور وفاء تقى الدين، دمشق: دار البشائر، الأولى، ١٤٢١ق/ ٢٠٠٠م
- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشى البصرى ثم الدمشقى، *التكميل فى الجرح والتعديل ومعرفة الثقات والضعفاء والمجاهيل*، دراسة وتحقيق: د. شادى بن محمد بن سالم آل نعمان، اليمن: مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية وتحقيق التراث والترجمة، الأول، ١٤٣٢ق/ ٢٠١١م
- ابن ماجه - و ماجه اسم أبيه يزيد - أبو عبد الله محمد بن يزيد القزوينى، *سنن ابن ماجه*، المحقق: شعيب الأرناؤوط - عادل مرشد - محمد كامل قره بللى - عبد اللطيف حرز الله، بى جا: دار الرسالة العالمية، الأولى، ١٤٣٠ق/ ٢٠٠٩م
- أبو الطيب نايف بن صلاح بن علي المنصورى، *إرشاد القاصى والدانى إلى تراجم شيوخ الطبرانى*، الرياض: دار الكيان، الإمارات: مكتبة ابن تيمية، بى تا
- _____، *الروض الباسم فى تراجم شيوخ الحاكم*، الرياض:

- دارالعاصمة للنشر والتوزيع، الأولى، ۱۴۳۲ق / ۲۰۱۱م
- أبو الفداء زين الدين قاسم بن قُطْلُوبَغَا السُّودُونِي (نسبة إلى معتق أبيه سودون الشيوخوني) الجمالي الحنفي، *الثقات ممن لم يقع في الكتب الستة*، دراسة وتحقيق: شادي بن محمد بن سالم آل نعمان، اليمن: مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية وتحقيق التراث والترجمة صنعاء، الأولى، ۱۴۳۲ق / ۲۰۱۱م
- أبو عبدالله، علاء الدين، مغلطاي بن قليج بن عبدالله البكجری المصری الحکری الحنفي، *إكمال تهذيب الكمال في أسماء الرجال*، المحقق: أبو عبد الرحمن عادل بن محمد - أبو محمد أسامة بن إبراهيم، بی جا: الفاروق الحديثة للطباعة، الأول، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م
- ابونعيم، احمد بن عبدالله الاصبهاني، *المسند المستخرج على صحيح الامام المسلم*، المحقق: محمد حسن محمد حسن اسماعيل الشافعي، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ق
- أحمد بن حنبل (أبو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني)، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، المحقق: شعيب الأرناؤوط، عادل مرشد و آخرون، بی جا: مؤسسة الرسالة، الأولى، ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۱م
- _____، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، المحقق: أحمد محمد شاكر، القاهرة: دار الحديث، الأولى، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۵م
- البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، *الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه (صحيح البخاري)*، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، بی جا: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي، الأولى، بی تا
- البيهقي، الحافظ الجليل أبي بكر احمد بن الحسين بن علي البيهقي، *السنن الكبرى للبيهقي*، مصدر الكتاب: موقع يعسوب، بی تا
- الحاكم النيشابوري، محمد بن عبدالله، *المستدرک على الصحيحين*، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطاء، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۱ق
- الذهبي الشافعي، محمد بن أحمد بن يوسف أبو البركات الذهبي الشافعي، *الكواكب النيرات*، بی جا: بی نا، بی تا
- ذهبي، شمس الدين أبو عبدالله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي، *ميزان الاعتدال في نقد الرجال*، تحقيق: علي محمد البجاوي، بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، الأولى، ۱۳۸۲ق / ۱۹۶۳م

- _____، المغنى فى الضعفاء، الدكتور نور الدين عتر، بى جا: بى نا، بى تا
- _____، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، المحقق: الدكتور بشار عوَّاد معروف، بى جا: دار الغرب الإسلامى، الأولى، ٢٠٠٣ م
- _____، سير أعلام النبلاء، القاهرة: دار الحديث، ١٤٢٧ ق / ٢٠٠٦ م
- _____، سير أعلام النبلاء، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرناؤوط، بى جا: مؤسسة الرسالة، الثالثة، ١٤٠٥ ق / ١٩٨٥ م
- ذهبى، محمد بن أحمد بن عثمان الذهبى، ذكر أسماء من تكلم فيه وهو موثق، المحقق: محمد شكور بن محمود الحاجى أمير الميادينى، الزرقاء: مكتبة المنار، الأولى، ١٤٠٦ ق / ١٩٨٦ م
- الزركلى، الأعلام للزركلى، بى جا: بى نا، بى تا
- السيد أبو المعاطى النورى، أبو الفضل، المسند الجامع المعلن، بى جا: بى نا، بى تا
- صهيبي، عبد الجبار، المسند الموضوعى للكتب العشرة، بى جا: بى نا، ٢٠١٣ م
- صهيبي، عبد الجبار، الجامع الصحيح للسنن والمسانيد، [الكتاب غير مطبوع]، ٢٠١٤ م
- الصيرفينى، أبو إسحاق تقى الدين إبراهيم بن محمد، المنتخب من كتاب السياق لتاريخ نيسابور، تحقيق خالد حيدر، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٤ ق
- عادل نويهض، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، بيروت: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، الثالثة، ١٤٠٩ ق / ١٩٨٨ م
- عبد الشافى، محمد عبد اللطيف، السيرة النبوية والتاريخ الإسلامى، القاهرة: دار السلام، الأولى، ١٤٢٨ ق
- مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحى المدنى، الموطأ، المحقق: محمد مصطفى الأعظمى، أبوظبى: مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية والإنسانية، الأولى، ١٤٢٥ ق / ٢٠٠٤ م
- المتقى الهندى، على بن حسام الدين، كنز العمال فى سنن الاقوال والأفعال، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠١ ق
- مجموعة من المؤلفين (الدكتور محمد مهدي المسلمى - أشرف منصور عبد الرحمن - عصام عبد الهادى محمود - أحمد عبد الرزاق عيد - أيمن إبراهيم الزامل - محمود محمد خليل)، موسوعة أقوال أبى الحسن الدارقطنى فى رجال الحديث وعلمه، بيروت: عالم الكتب للنشر والتوزيع،

الأولى، ٢٠٠١ م

- مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، *المسند الصحيح المختصر ينقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (صحيح مسلم)*، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بي تا

- مؤلف ناشناخته، *مسند الصحابة في الكتب التسعة*، بي جا: بي نا، بي تا
- النسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، تسمية مشايخ أبي عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي النسائي وذكر المدلسين (وغير ذلك من الفوائد)، المحقق: الشريف حاتم بن عارف العوني، مكة المكرمة: دار عالم الفوائد، الأولى، ١٤٢٣ ق